

تأثیر متقابل خیزش‌های انقلابی و هنر

به مناسبت صدمین روز انقلاب زن، زندگی، آزادی

مهرداد خامنه‌ای



تأثیر متقابل خیزش‌های انقلابی و هنر

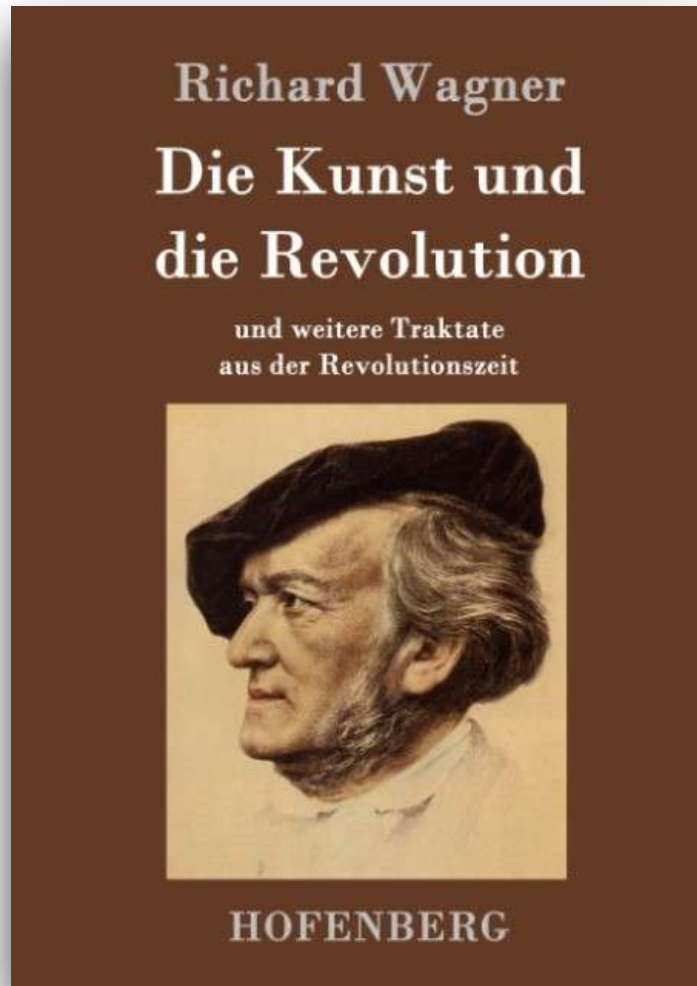
به مناسبت صدمین روز انقلاب زن، زندگی، آزادی

مهرداد خامنه‌ای

گروه تئاتر اگزیت
چهارم دی‌ماه ۱۴۰۱



ریچارد واگنر موسیقیدان آلمانی که از طرفداران انقلاب ۱۸۴۸ در اروپا بود، خود نیز به عنوان یکی از شرکت کنندگان در انقلاب ۱۸۴۹ «درسدن» که موجب شد از آلمان به تبعید اجباری برود، در تبعید مقاله‌ای پلمیک با نام «هنر و انقلاب» نوشت. در این مقاله به نقش هنر در جامعه و همین‌طور طبیعت اپرا می‌پردازد و به مفهومی اشاره می‌کند با این مضمون:
«انسان قدرتمند عادل، که قدرتش را انقلاب به او خواهد داد و زیباییش را هنر.»



«هنر و انقلاب» ریچارد واگنر (۱۸۴۹)

می‌توان تعریف دقیق این مفهوم را با نمونه‌هایی از تاریخ هنر واکاوی کرد. اگر بخواهیم به طور مثال تصویری را از انقلاب فرانسه و عصر روشنگری در ذهن خود مجسم کنیم شاید اکثراً نقاشی «آزادی مردم را رهبری می‌کند» اثر اوژن دولاکروآ را به یاد آوریم. تصویر زنی قدرتمند با سینه برهنه که پرچم فرانسه را در دست بالا گرفته است و اطراف او چهره‌هایی از طبقات مختلف اجتماعی که پیش می‌روند و در زیر پای‌شان جنازه‌های قربانیان دیده می‌شود. این نقاشی گرچه در واقع مربوط به سه روز انقلاب دوم فرانسه در ۲۷، ۲۸ و ۲۹ جولای سال ۱۸۳۰ است اما به خوبی تصویرگر آن دوران پرشور و انقلابی است.



«آزادی مردم را رهبری می‌کند» اثر اوژن دولاکروآ (۱۸۳۰)

دولاکروآ خود به عنوان یکی از رهبران جنبش رمانتیسیسم در نقاشی که تاثیر زیادی بر نقاشان امپرسیونیست نیز گذاشته بود درباره این نقاشی به‌خصوص به برادر خود نوشت: «اگر چه در پشت سنگرها برای کشورم نمی‌جنگیدم اما حداقل برایش نقاشی می‌کشیدم.»

به همین ترتیب نقاشی امانوئل لوتزه در سال ۱۸۵۱ از لحظه پیروزی جرج واشینگتن ایستاده درون قایق بر آب‌های رودخانه یخی با نام «واشینگتن از دلوور عبور می‌کند» تصویری گویا از انقلاب آمریکا را به نمایش می‌گذارد.



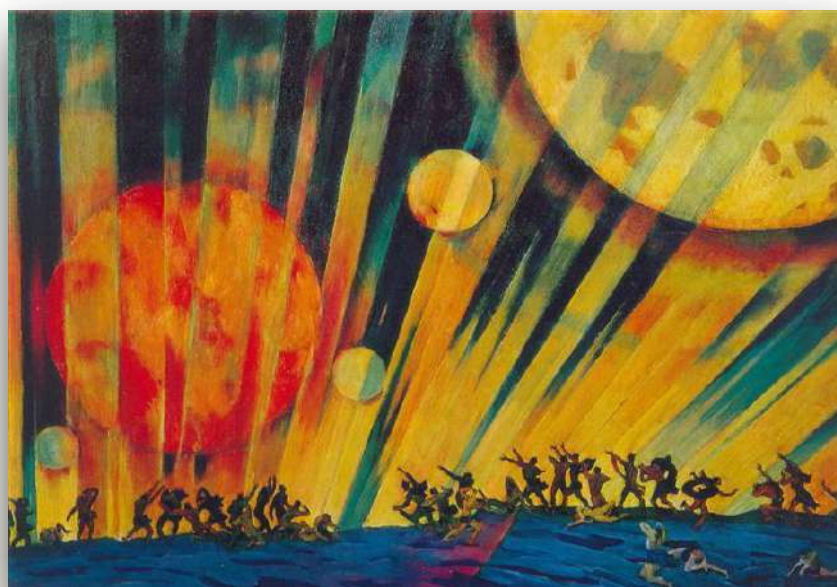
«واشینگتن از دلوور عبور می‌کند» اثر امانوئل لوتزه (۱۸۵۱)

فرانچسکو گویا صحنه تیرباران مدافعان مادرید در انقلاب اسپانیا در «سوم می» ۱۸۰۸ را به تصویر می‌کشد. همین نقاشی را لوئیس بونوئل در سال ۱۹۷۴ دستمایه سکانس آغازین شاهکار سینمایی خود به نام «شبح آزادی» قرار می‌دهد. من اولین بار این نقاشی را بر روی جلد فارسی رمان «خرمگس» با ترجمه ج. کمازان اثر ایتل لیلیان وینچ رمان‌نویس و موسیقی‌دان ایرلندی در سال‌های اول انقلاب دیدم و تحت تاثیر آن قرار گرفتم و از این طریق با گویا آشنا شدم.



« سوم می» اثر فرانچسکو گویا (۱۸۰۸)

نقاش سمبولیست روس، کنستانتین یون به شکلی تئاترال تصویری فرازمینی و قدرتمند از انقلاب اکتبر را به نام «سیاره جدید» در سال ۱۹۲۱ به یادگار می‌گذارد.



«سیاره جدید» اثر کنستانتین یون (۱۹۲۱)

دیه‌گو ریورا در سال ۱۹۲۸ نقاشی عظیم دیواری «آرسنال» را می‌کشد که از دو عنصر کلیدی برای او تشکیل شده است: یکی انقلاب مکزیک و دیگری معشوقه‌اش فریدا کالو.



«آرسنال» اثر دیه‌گو ریورا (۱۹۲۸)

اما آثار هنری تنها یادگار و بیان‌گر پیروزی انقلاب‌ها و شکوه آنها نیستند. هنرمند معاصر چینی آی وی وی در سال ۲۰۱۰ مجموعه مجسمه‌های «محفل حیوانات / سرهای زودیاک» را خلق می‌کند تا نتیجه فاجعه‌بار انقلاب فرهنگی چین را به نمایش بگذارد.



«محفل حیوانات / سرهای زودیاک» اثر آی وی وی (۲۰۱۰)

حال در همین زمینه به تاریخ موسیقی نگاهی بیافکنیم.

دانیل اوبر اپرای «**لا موئت دو پورتیچی**» را می‌نویسد و در ۲۵ آگوست ۱۸۳۰ وقتی در بروکسل به روی صحنه می‌رود، در میانه اجرا پس از آریای «**عشق مقدس میهن**» که از سرود مارسیز انقلاب فرانسه نقل شده بود، تماشاگران شروع به تظاهرات می‌کنند و درست در این لحظه جرقه انقلاب بلژیک شعله‌ور می‌شود. در دسامبر همین سال بلژیک از هلند استقلال می‌یابد.

موتسارت اپرای «**عروسی فیگارو**» را بر اساس نمایشنامه انقلابی بومارشه که در سال ۱۷۸۴ در فرانسه به دلیل ضدیت با سلطنت ممنوع شده بود می‌نویسد و در سال ۱۷۸۶ در وین به روی صحنه می‌برد که با استقبال بی‌نظیر مردم روبرو می‌شود.

جوزپه وردی اپرای «**نابوکو**» را در مارس ۱۸۴۲ در «**لا اسکالا**» ی میلان به روی صحنه می‌برد که داستان مبارزه یهودیان برای آزادی از سلطه پادشاه بابل است. تماشاگران میلانی سرنوشت خود را در آن می‌بینند که آنها نیز زیر سلطه اتریش زندگی می‌کنند. شش سال بعد اولین جنگ ایتالیا برای بیرون رفتن از زیر سلطه اتریش آغاز می‌شود.

بتهون سمفونی شماره سه خود را تحت تاثیر انقلاب فرانسه ابتدا به بناپارت تقدیم می‌کند اما وقتی می‌بیند که او به عنوان امپراتور تاجگذاری کرده است این اثر را به نام «**اروئیکا**» یا «**سمفونی قهرمانی**» تغییر نام می‌دهد و انزجار خویش را از بناپارت اعلام می‌کند. هم اوست که در تنها اپریش به نام «**فیدلیو**» پنجاه سال قبل از آغاز اولین جنبش‌های فمینیستی قهرمان داستانش را زنی شجاع به نام لئونوره انتخاب می‌کند که شباهتی با قهرمانان معمول اپرای آن دوران ندارد. جنگ او با استبداد، فساد سیاسی حاکم و برای آزادی است.

هانس ورنر هنتزه موزیسین آلمانی در اواسط دهه شصت میلادی با الهام از جنبش دانشجویی اروپا و سفر خود به کوبا اوراتوریوی «**قایق مدوسا**» را به عنوان رکویم برای چه‌گوارا می‌نویسد و زمانی که برای اولین بار در ۹ دسامبر ۱۹۶۸ در هامبورگ قصد اجرای آن را دارد، دانشجویی پوستر بزرگ چه‌گوارا را از بالای صحنه آویزان می‌کند که توسط ماموران سالن پایین کشیده می‌شود. سپس تعدادی از دانشجویان پرچم‌های سرخ و عده‌ای دیگر پوستره‌های چه‌گوارا را در سالن برمی‌افرانند. در این زمان عده‌ای از سولیست‌های آمریکایی به اجرا در زیر پرچم سرخ اعتراض می‌کنند. پلیس به سالن حمله می‌کند و سعی در بیرون کردن دانشجویان دارد که در این زمان نوای هو هو هوشی مین بلند می‌شود و هنتزه با همین نوا مردم را رهبری می‌کند. این اجرا در هامبورگ لغو می‌شود.

نمی‌توان در قرن بیستم هنر سینما را بدون تاثیر فیلم‌هایی، چون «**اکتبر**»، «**اعتصاب**» و «**رزمناو پوتمکین**» اثر سرگئی آیزنشتاین یا «**زمین**» اثر داورنکو و یا «**مادر**» اثر پودوفکین تصور کرد. فیلم‌هایی که تحت تاثیر تحولات انقلاب اکتبر ساخته شدند و نه تنها در محتوی بلکه در فرم نیز زبانی جدید را در هنر هفتم به وجود آوردند که شیوه‌ای متفاوت برای ارتباط فکری با مخاطبان این هنر پیشنهاد می‌کرد. ارتباطی که بر مبنای دیالکتیک و اندیشه‌های مارکسیستی استوار بود. آیزنشتاین از اولین پیشگامان این نظریه بود که در نوشته‌هایش تحت عنوان «**فرم فیلم**» و «**حس فیلم**» آنها را مکتوب کرد و تئوری مونتاژ را به دنیا عرضه نمود.

برتولت برشت در هنر تئاتر تحت تاثیر فجایع پس از ظهور نازی‌ها و جنگ جهانی دوم، هم در محتوی و هم در فرم نمایشی همچون آیزنشتاین در سینما با پیش‌زمینه نظریه «**بیگانه‌سازی**»

فرمالیست‌های روس، نظریه «فاصله‌گذاری» خود را در تئاتر مطرح کرد. این نظریات در جهت کمک به رشد فکری مخاطب هنر گام برمی‌داشت تا آگاهی و استدلال را جایگزین تحمیق و تصورات افیونی کند.

این مسیر را می‌توان در باقی هنرها نیز ردیابی کرد و ریشه آن را از آغاز تمدن بشری باز یافت.

حال نگاهی مختصر بیاندازیم به ایران و این که تحولات اجتماعی چگونه بر هنر و هنر بر اجتماع تاثیر گذاشت؟

با انقلاب مشروطه ایران، هنر از شکل محفلی فراتر رفت و انحصار آن از دست اشراف خارج شد و به میان مردم آمد. از اولین مراکز هنری و ادبی «انجمن اخوت» در تهران بود. این انجمن توسط ظهیرالدوله و همسرش قمرالدوله در سال ۱۸۹۹ میلادی تاسیس شد. تعداد ۱۱۰ عضو داشت و به صورت مرتب جلسات ادبی، کنسرت و نمایش در آن اجرا می‌شد. با وجود این که فعالیت سیاسی در آن ممنوع بود، از طریق این فعالیت‌های هنری کار سیاسی می‌کردند و در واقع یکی از مراکز روشنفکران و آزادی‌خواهان دوران مشروطیت بود. پس از به توپ بسته شدن مجلس این محل نیز توسط طرفداران استبداد ویران شد.



یکی از جلسات «انجمن اخوت»

در اواخر سال ۱۲۹۹ میرزاده عشقی اپرت «رستاخیز شهریاران ایران» را تحت تاثیر اپرای اروپایی ابتدا در اصفهان و سپس در گراند هتل تهران اجرا کرد. در این اپرت عشقی با نگاهی انتقادی به شرایط موجود کشور مردم را تشویق به اقدامی جدی برای نجات آن می‌کند. اشعار به صورت مخالف‌خوانی اجرا می‌شد و او برای موسیقی این اثر از موسیقی ایرانی، آواز اصفهان و دستگاه سه‌گاه قفقازی استفاده کرد.

در دوران مشروطیت شعر به زبان مردم نزدیک می‌شود، واژگان غیرفارسی و فرنگی وارد آن می‌شود، از قالب‌های سنتی و کلاسیک خارج می‌شود که نمونه‌هایش را در اشعار نسیم شمال، عارف قزوینی و میرزاده عشقی می‌بینیم. در واقع نطفه‌های شعر نو از همین گسست از شعر کلاسیک فارسی بعدها پدید می‌آید. شعر اجتماعی می‌شود، به میان مردم کوچه و بازار می‌آید و به‌خصوص اشعاری که با موسیقی و به صورت تصنیف خوانده می‌شوند محبوبیت پیدا می‌کنند.

نمونه بارز این‌گونه آثار تصنیف «از خون جوانان وطن لاله دمیده» عارف قزوینی است که به حیدرخان عمواغلی تقدیم شده است.

شعر شکل سیاسی پیدا می‌کند و با وقایع اجتماعی و سیاسی دوران انقلاب شعرای متعهد از همین طریق واکنش نشان می‌دهند.

به طور مثال با پایان گرفتن دوره مجلس چهارم میرزاده عشقی می‌سراید:

این مجلس چارم به خدا ننگ بشر بود!

دیدی چه خبر بود؟

هر کار که کردند، ضرر روی ضرر بود

دیدی چه خبر بود؟

شعرايي ديگر چون فرخی یزدی و ابوالقاسم لاهوتی و ایرج میرزا نیز این چنین عمل می‌کنند. زندگی زحمت‌کشان جامعه وارد زبان شعر می‌شود.

عارف قزوینی از اولین تصنیف‌سازان سیاسی تاثیرگذار این زمان است.

عارف کنسرت‌هایش را در همان انجمن اخوت اجرا می‌کرد. درویش خان نیز که موسیقی ایرانی را در این دوران متحول کرده بود، برای اولین بار کلاس‌های آموزش موسیقی برای عموم دایر کرد و در انجمن اخوت آثارش را اجرا می‌کرد. در واقع موسیقی شکلی اجتماعی و مردمی به خود گرفت.

اما شخصیت مهم هنری آوانگارد این دوران قمرالملوک وزیری است. او برای اولین بار به عنوان زن و بدون حجاب بر روی صحنه آمفی‌تئاتر گراند هتل تهران رفت و آوازی در مذمت حجاب خواند. این عمل شجاعانه قمر با واکنش‌های مثبت و منفی روبرو شد. دور هتل تجمع شد و نظمی به او وارد عمل شد. فردای آن روز قمر به نظمی فراخوانده می‌شود و از او تعهد گرفته می‌شود که بدون حجاب دیگر به روی صحنه نرود.

اولین سانسور هنری در سال ۱۳۰۷ در زمان حکومت رضاخان است و در مورد تصنیفی است که قمر به یاد میرزاده عشقی که توسط عمال رضا خان به قتل رسیده بود از عارف قزوینی خواند و به مردم ارائه کرد. تمام این صفحات قمر جمع‌آوری شد و اجازه پخش نیافت. در همین سال قانون نظارت بر ضبط صفحات گرام و سانسور آنها تصویب شد.



قمرالملوک وزیری (۱۲۸۴ در تاکستان - ۱۴ مرداد ۱۳۳۸ در تهران)

دست‌آورد مهم انقلاب مشروطیت ایران برای هنر و هنرمندان کشور، آغاز دورانی بود تا برای برقراری ارتباط با مردم تمام توان خود را به کار گیرند و به عنوان عنصری تاثیرگذار در مناسبات اجتماعی حضور داشته باشند. نماد شکوفایی نسبی و توان هنری کشور را می‌توان از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دید که آثار درخشان ادبی و هنری در زمینه‌های مختلف خلق شد و به قله‌های فرهنگی کشور بدل شدند.

اما در دوران‌های مختلف تا به امروز تلاش هر چه بیشتر هنری برای برقراری ارتباط سازنده منجر به سرکوب بیشتر هنرمندان شده است. در دوران پهلوی دوم پس از کودتا بسیاری از نویسندگان و هنرمندان تنها برای سرودن یک شعر، نوشتن یک داستان، خواندن یک آهنگ، اجرای یک نمایش و ساختن یک فیلم زندانی می‌شدند و بعضاً سال‌ها هزینه تعهد خود به مردم و اجتماع‌شان را می‌پرداختند. چه بسیار کتاب‌ها که ممنوع شدند و چه بسیار استعداد‌های هنری که نابود شدند چرا که مورد تایید حاکمان نبودند. حتی در دوره‌ای امکان استفاده از برخی کلمات چون جنگل، ستاره، شب و غیره به عنوان نمادهای سیاسی وجود نداشت.

پس از انقلاب بهمن ۵۷ در دوره‌ای کوتاه هنر بار دیگر شکوفا شد تا پس از آن سیاه‌ترین دوران اختناق و سانسور بر فرهنگ و هنر کشور چیره شود. سانسور اقتصادی در کنار سانسور سیاسی، رانت‌های گوناگون و مجلس‌گردانی تعدادی افراد دستچین شده که گوش به فرمان و آماده به خدمت برای قدرت حاکم بودند، ویتترین فرهنگی کشور را به وجود آورد و حاکمیت با سرمایه‌گذاری بر روی

همین سیاست فرهنگی و ماریونت‌هایش سال‌ها به گمان خود شگردی کارا را جایگزین هنری پویا و آزاد کرده بود تا در داخل و خارج خودنمایی کند.

اما در واقع فرهنگ سنگری بود که هرگز توسط این حاکمیت فتح نشد. بسیاری وقعی به عروسک‌گردانی و فرهنگ بی‌هویت دیکته شده و سانسورزده رژیم نهادند و پنهان و آشکار آثار خود را خلق کردند و به دست مخاطبان خود رساندند. رگ‌های حیاتی فرهنگ و هنر سالم و بدون سانسور را زنده نگاه داشتند تا بار دیگر در انقلاب نوین مردم آتش‌ها از زیر خاکستر زیانه کشد. در صدمین روز انقلاب «زن، زندگی، آزادی» هنر آزاد با تمام توان خود در کنار مردم قرار گرفته است و شبانه‌روز و بی‌قفه رها از هر بندی برای آنها خلق می‌کند و حصارها را در هم شکسته است. ارتش هنرمندان نه فقط در عرصه حرفه‌ای خود بلکه در کف خیابان نیز در کنار مردم هستند. تعداد بسیاری بازداشت شده‌اند و رژیم وحشت‌زده حکم‌های زندان سنگین به آنها داده است و سیاه‌تر این که از همین هنرمندان تعدادی زیر حکم اعدام هستند و جان‌شان را در گرو آزادی ملت خود نهاده‌اند. حسین محمدی، توماج صالحی، سامان یاسین، بهراد کناری از جمله این هنرمندان هستند.

فرا‌تر از آن طوفان انقلاب ستون‌های جهل چهل ساله را به لرزه درآورده است و همان‌هایی که تا دیروز در ویتترین فرهنگی رژیم قرار داشتند و یا چاره‌ای جز همکاری با آن برای امرار معاش نمی‌دیدند امروز یکی پس از دیگری به صف مردم می‌پیوندند و شرافت حرفه‌ای و انسانی خود را دوباره باز می‌یابند و ترفندهای آن را نقش بر آب می‌کنند.

«انسان قدرتمند عادل، که قدرتش را انقلاب به او خواهد داد و زیباییش را هنر»



«آزادی» اثر گرافیک لیو (۱۴۰۱)

توضیحات:

- ۱- این مقاله اولین بار به عنوان گفتار مقدماتی در جلسه پرسش و پاسخ صفحه تلگرام «به یاد رفیق رئیس‌دانا»، برای اتحاد عدالت‌خواهان تحت عنوان «تاثیر متقابل خیزش‌های انقلابی و هنر بر یکدیگر» در تاریخ یکشنبه ۴ دی ۱۴۰۱ قرائت شد.
- ۲- در بخش انقلاب مشروطیت از پژوهش افشین شمس قهفرخی در درس گفتار: «هنر و ادبیات پیشرو پس از انقلاب مشروطیت» از مجموعه «هنر و سیاست آوانگارد: از محله نوبر تا مهرآباد جنوبی» گروه تئاتر اگزیت استفاده شده است.

